

بررسی فقهی حج تمتع،

قران و افراد

محسن رجبزاده

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه

چکیده

حج از دیرباز تاکنون از اهمیت ویژه‌ای در بین مسلمانان برخوردار بوده است، همه ساله صدها هزار مسلمان مشتاق از گوشه و کنار جهان بسوی سرزمین مقدس مکه و مدینه حرکت کرده و با تمامی سختی‌ها و مشقت‌ها خود را به میقات می‌رسانند و لبیک‌گویان آماده انجام فریضه حج می‌شوند. فریضه حج، یکی از فرایض عبادی-سیاسی مسلمانان و نیز همایش معنوی عظیمی است که همه ساله در موعد مقرر با مناسک ویژه خود برگزار می‌گردد. این فریضه عظیم، امروزه با توجه به شرایط زمانی و مکانی پیش آمده، دارای مسائل نوظهوری گردیده است که بررسی آنها لازم می‌نماید و به نظر می‌رسد بررسی فقهی انواع حج می‌تواند گام مؤثری در جهت ایجاد وحدت بین مذاهب اسلامی باشد. تفاوت‌هایی است که از جهت فقهی بین انواع حج تمتع، قران، افراد و اعمال و عبادات شرعی و مناسک حج و عمره میان مذهب اهل بیت و پیروان دیگر مذاهب اسلامی مشاهده می‌کند؛ از وضو و وقت نماز و اذان و اقامه و شرایط نماز گرفته تا احرام و طواف و دیگر اعمال و مناسک. اگرچه چارچوب اصلی مناسک و عبادات در میان تمامی مذاهب اسلامی یکسان است، ولی همین تفاوت‌های جزئی که در انجام عبادات وجود دارد برای هر تازه واردی سؤال برانگیز است. درباره‌ی این عمل عبادی-سیاسی، از طرف دانشوران صاحب‌نظر، تعبیرهای گوناگونی شده است که در کمتر موردی از عبادات دیگر، اینگونه تعبیر را می‌بینیم.

واژگان کلیدی: حج، تمتع، قران، افراد، احرام، طواف

طرح مسئله

حج در تمامی فرقه‌های اسلامی به مصداق یک فریضه مهم و واجب پذیرفته شده لذا براساس آیات قرآنی حج بر مسلمانان واجب می‌باشد، لذا هرکس که توانایی و استطاعت انجام آن را دارد باید عمل حج را انجام دهد. به همین خاطر است که تمامی فرقه‌ها به مسئله حج اهمیت خاصی قائل شده‌اند و بخشی از فقه آن‌ها به موضوع حج اختصاص یافته است و همه ساله مسلمانان از فرقه‌های مختلف در مناسک حج در ایام ذی‌الحجه به مکّه مکرّمه عزیمت نموده و اعمال و مناسک حج را بجا می‌آورند. خداوند در قرآن در آیه ۹۷ سوره آل عمران می‌فرماید: « وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا ». این آیه دلالت بر واجب بودن حج برای مسلمانان می‌باشد و در ادامه این آیه آمده « وَ مَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ » چنین استنباط می‌شود که خداوند ترک حج را از اعظم کبائر شمرده و در ردیف کفر آورده یعنی از تروک حج به کفر عمل تعبیر شده است که چیزی بدتر از آن نیست. همچنین در احادیث مختلف به موضوع واجب بودن حج اشاره شده است. از پیامبر بزرگوار اسلام تا سایر ائمه معصومین به این موضوع تأکید کرده‌اند. پیامبر اسلام می‌فرماید: «به طواف پیرامون خانه خدا و بین صفا و مروه و رمی جمرات فرمان داده شده فقط برای برپایی یاد خدا.» امام علی (ع) می‌فرماید: «او خداوند حج خانه خویش را به شما واجب کرده خانه‌ای که آن را قبله‌گاه مردم قرار داده است. حج گزاران همچون ازدحام چهارپایان به این خانه وارد می‌شوند و همچون روی آوردن کبوتران به آشیانه مشتاقانه به سوی آن می‌شتابند.»

خداوند سبحان حج را نشانه تواضع مردم در پیشگاه عظمتش و تسلیم پذیرش آن نسبت به عزّت و شکوهش قرار داده است و از بندگان خویش شنوایی را برگزیده که دعوت الهی را لیبیک گفته و سخن او را پذیرفته‌اند و در جایگاه‌های پیام‌آوران الهی ایستاده‌اند و با (طواف خویش) شبیه فرشتگانی شده‌اند که بر گرد عرش خدا در طوافند. در فقه اسلامی حج به سه نوع تقسیم شده است: ۱- حج تمتع ۲- حج قران ۳- حج افراد.

بیان هر یک از این چند نوع حج در فقه شیعه و اهل سنت به صورت متعدد اشاره شده است. فرقه‌های مختلف نیز برای انجام هر یک در موارد فوق دستورالعمل‌های مختلفی را بیان کرده‌اند که البته در کلیات آن با یکدیگر اختلافی ندارند ولی در مذهب شیعه و فرقه‌های حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی هر کدام در خصوص انجام این نوع حج دستورالعمل‌های مختلفی را بیان کرده‌اند که لازم است دیدگاه‌های مختلف هر یک از فرقه‌های مذهبی به صورت جداگانه در خصوص اعمال و مناسک حج مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد. اما به صورت اختصار هر کدام از انواع حج مطرح و سپس به صورت دقیق دیدگاه‌های هر فرقه در خصوص اعمال و مناسک حج با یکدیگر به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مفهوم شناسی

الف- حج در لغت

واژه حج و مشتقات آن در قرآن کریم بیش از ۲۰ بار آمده است: که دوازده بار آن حج و قصد سفر به خانه خدا منظور است. علمای لغت برای واژه حج معانی مختلفی را بیان کرده‌اند برخی حج را به معنی مطلق قصد آورده‌اند «الحج: القصد مطلقاً» (نک: حسینی زبیدی، تاج العروس) در برخی حج را به معنی قصد زیارت آورده‌اند. «أصل الحج القصد للزيارة» (نک: اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن) و بعضی نیز آن را به معنی قصد هر چیزی معنی کرده‌اند. «الحجُّ في اللغة: القصد إلى كلِّ شيء» (نک: ابن اثیر، النهاية، ۲۱۸)

ب- حج در اصطلاح

حج در اصطلاح به معنی قصد بیت الله الحرام کردن و تشرّف به مکه معظمه به جهت انجام فریضه حج و اعمال و مناسک مخصوص است، فقهای اسلامی نیز بر این معنی اتفاق دارند. برخی از فقها در تعریف حج آن را مقید به زمان خاص نموده‌اند و صاحب جواهر در تعریف حج هم قید زمان و هم قید بیت الله الحرام را آورده است. (همان، ۲۱۹-۲۲۰)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ج- تعریف لغوی مُحَرَّم

مُحَرَّم در لغت یعنی کسی که احرام حج بسته باشد، کسی که جامه احرام بر تن دارد. (نک: دهخدا) مُحَرَّم از ریشه حرم است و همانند واژه تحریم در زبان عربی به معنای منع و بازداشت خویش و یا دیگری، از کاری است. (نک: زارعی سبزواری)

د- تعریف اصطلاحی مُحْرِم

مُحْرِم کسی است که با نیت انجام فریضه الهی حج، لباس احرام در بر کرده و تلبیه گویان (گفتن لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک)، دعوت خدا را لبیک گفته و برای جلب رضایت او از ارتکاب یک سلسله کارها، که پیش از این حلال بوده، پرهیز کرده و آن را بر خود حرام دارد.

۲- احکام و شرایط حج

حج عملی است عبادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... که قبل از اسلام نیز توسط مردم آن عصر و زمان انجام می شده است. تعبیری که در خصوص حج بیان شده، در مورد کمتر عبادتی ذکر گردیده، که این خود بیانگر اهمیت والای حج و جایگاه رفیع این فریضه الهی در قبل و بعد از دین مبین اسلام است هر چند از کیفیت حج قبل از اسلام و تغییراتی که طی مدت تشریح حج از جانب ابراهیم (ع) تا زمان رسول خدا (ص) رخ داده، اطلاع دقیقی در دست نیست. ولی به اجمال می دانیم که حج و زیارت و طواف کعبه در تمام دوره سال و در موسمی خاص قبل از اسلام نیز رایج بوده است. (نک: جمعی از صاحب نظران، ۲۰۲)

خداوند متعال در سوره مائده آیه ۹۷ می فرماید: « جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْغُرَبَاءُ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهُدَىٰ وَالْأَقْلَانِدَ » یعنی: خداوند کعبه را بیت الحرام قرار داد برای بپا داشتن ایمان مردم و حفظ مصالح خلق و ماه حرام را برای آسایش از جنگ و نیز قربانی را با علامت و بدون علامت، برای مردم برقرار داشت. قبل از اسلام نیز عمل حج در ماه ذی الحججه انجام می شده، لیکن طواف خانه، اختصاص به وقت معین نداشته است. در اسلام نیز وقت حج طبق کتاب و سنت به همان زمان مقرر در سابق، باقی ماند و عمره در تمام سال، مشروع و مستحب گردید (شانچی، ۲۰۲).

در شریعت دین اسلام و به اتفاق جمیع مذاهب اسلامی وجوب حج بر هر زن و مرد دارای شرایط، تنها یک بار در طول عمر واجب می‌شود. البته ممکن است به دلایل دیگر: همچون نذر هم واجب شود. گفتنی است تکرار آن در طول عمر مستحب است. (نک: جعفر پیشه‌فرد، ۱۹۳)

۳- ادله وجوب حج

با استناد به آیات وارده در قرآن، حج بر هر زن و مرد جامع شرایط واجب است و ترک آن جایز نمی‌باشد. این آیات با نکات قابل توجهی که در خود نهفته دارد، مبین وجوب حج با تأکیدهای فراوان بر آن است از آن جمله: در روایتی از تفسیر (علی بن ابراهیم) آمده: هنگامی که ابراهیم چنین دستوری را دریافت داشت عرض کرد خداوندا، صدای من به گوش مردم نمی‌رسد، خدا به او فرمود: «علیک الاذان و علی البلاغ» تو اعلام کن و من به گوش آن‌ها می‌رسانم ابراهیم (بر محل) مقام برآمد و انگشت در گوش گذارد و رو به سوی شرق و غرب کرد و صدا زد و گفت: ایها الناس کتب علیکم الحج الی البیت العتیق فاجیبوا ربکم. (ای مردم حج خانه کعبه بر شما نوشته شده، دعوت پروردگارتان را اجابت کنید.) و خداوند صدای او را به گوش همگان حتی کسانی که در پشت پدران و رحم مادران بودند رسانید، لبیک اللهم لبیک! و تمام کسانی که تا روز قیامت در مراسم حج شرکت می‌کنند از کسانی هستند که در آن روز دعوت ابراهیم را اجابت کردند. (نک: مکارم شیرازی، ۶۹/۱۴) روایات فراوانی نیز وجود دارد که به وضوح بر وجوب حج دلالت می‌کند از آن جمله: پیامبر بزرگ اسلام (ص) درباره حج می‌فرماید: «آن که مستطیع باشد و انجام حج را به تأخیر اندازد تا بمیرد، خداوند او را در روز قیامت، یهودی یا نصرانی بر می‌انگیزاند.» (نک: حر عاملی، ۱۱ / ۳۲) از امیرمؤمنان علیه السلام مرویست که فرمود: «... وَ فَرَضَ عَلَیْکُمْ حَجَّ بَیْتِهِ الْحَرَامِ ...»

همان، ۱۵/۱۱) «خدای سبحان بر شما حج بیشتر را واجب کرد، تا نشانه تواضع آنان در برابر عظمت خداوند و اذعانشان به عزتش باشد ... حجش را واجب و حَقش را لازم و کوچ بدان جا را بر شما فرض کرد.» در ماحصل این روایات می‌تواند آورد که: مذاهب اسلامی در حکم وجوب حج بر هر فرد مستطیع متفق القولند و اختلافی بر آن ندارند. همچنین علمای اسلام اجماع دارند که حج یک بار در عمر واجب است و تنها مخالف این قول شیخ صدوق است که می‌فرماید: کسی که مستطیع است هر سال بر او حج واجب است.

۴- شرایط وجوب حج از منظر مذاهب اسلامی

مشهور فقهای اسلامی، بلوغ، عقل، حریت و استطاعت را شرط وجوب حج می‌دانند و بر غیربالغ، مجنون، عید و غیرمستطیع، واجب نیست. ولی در این که اسلام، شرط وجوب حج است یا صحّت حج، بین علما اختلاف است. (نک: محقق حلی، ۲۲۹/۱-۲۲۴) امامیه اسلام را شرط صحت می‌دانند و حنبلیه و حنفیه شرط وجوب، شافعیه برای کافر اصلی شرط وجوب و برای مرتد شرط صحت می‌دانند و مالکیه شرط صحت می‌دانند. (نک: جزیری، ۵۷۶/۱-۵۷۱ و موسوی خمینی، تحریرالوسیله، ۳۶۲/۱-۳۴۹) بنابراین اگر اسلام شرط صحت باشد، حج بر کافر واجب است، لیکن تا مسلمان نشده حجش صحیح نیست.

ماه‌های حج از منظر مذاهب اسلامی

امامیه طبق نظر مشهور ماه‌های حج را شوال، ذی‌قعدة و ذیحجه می‌دانند، حنبلیه شوال و ذی‌قعدة و ده روز اول ذیحجه، حنفیه شوال و ذی‌قعدة و ده روز اول ذیحجه (تا غروب روز عید قربان)، شافعیه شوال و ذی‌قعدة و نه روز اول ذیحجه (تا طلوع فجر روز عید

قربان) و مالکيه: شوال، ذيقعدہ و ذی الحجہ را از ماه‌های حج می‌دانند. شيخ طوسی در کتاب خلاف، فتوایی مانند فتوای شافعی دارد. اقوال دیگری نیز درباره‌ی «اشهر الحج» از فقهای امامیه نقل شده است. به نظر می‌رسد نزاع در این باره چنان که صاحب جواهر (قدس سره) نیز معتقد است، لفظی است. (طوسی، خلاف، ۱/ ۴۱۷-۴۱۱؛ طباطبائی یزدی، ۲/ ۵۴۲؛ محقق حلی، ۱/ ۲۲۹-۲۲۴؛ موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۱/ ۳۶۲-۳۴۹؛ جزیری، ۱/ ۵۷۶-۵۷۱؛ ابن رشد قرطبی، ۱/ ۳۲۳-۳۲۶؛ مغنیه، ۱/ ۳۰۳-۲۲۹)

۵- انواع حج

به طور کلی در همه فقهای مذاهب اسلامی اعم از شیعه و سنی از سه نوع حج سخن به میان آمده است و در اقسام حج اختلافی وجود ندارد و آن سه قسم عبارتند از:

الف: حج تمتع ب: حج افراد ج: حج قران

الف - حج تمتع (حجہ الاسلام)

حج تمتع مرکب از دو عمل است: عمره تمتع، و حج تمتع. چنانچه خداوند عز و جل نیز در سوره بقره آیه ۱۹۶ می‌فرماید: «وَأَتُمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»

(حج و عمره را برای خدا به پایان برسانید). در حج تمتع ابتدا اعمال عمره تمتع انجام شده و پس از اعمال عمره تمتع احرام حج تمتع بسته می‌شود. مذاهب نیز اتفاق دارند: که معنی تمتع آنست که حاجی باید در ماه‌های حج، اول اعمال عمره تمتع را انجام دهد و بعد از اتمام آن، اعمال حج تمتع را بجا آورد. (نک: مغنیه، ۱۵۷) از اول شوال تا قبل از ظهر روز نهم ذیحجه می‌توان برای عمره تمتع محرم شد و از ظهر روز نهم باید برای حج‌الاسلام احرام بست هر چند این عمل معمولاً در روز

هشتم ذیحجه انجام می‌شود. محل احرام نیز مستحب است در مکه و مسجدالحرام و افضل است در حجر اسماعیل بسته شود. سپس به عرفات رفته و از زوال ظهر روز نهم تا غروب آفتاب در عرفات وقوف نموده و پس از غروب آفتاب از سرزمین عرفات خارج شده و وارد مزدلفه یا صحرای مشعر می‌شوند. از طلوع فجر تا سر زدن خورشید در مشعر وقوف کرده و آن گاه به منا می‌آید. در منا، جمره عقبه را که یکی از سه جمره است، با هفت ریگ «رمی» می‌کند. آنگاه قربانی کرده و در آخر سر می‌تراشد و با این کار از احرام خارج می‌شود. سپس به مکه مراجعت کرده و هفت بار طواف حج به جا می‌آورد و دو رکعت نماز طواف می‌گزارد. و سعی بین صفا و مروه می‌کند و پس از انجام این عمل، به منا باز می‌گردد. شب یازدهم و دوازدهم را در آنجا بیتوته می‌کند و در این دو روز هر سه جمره را رمی می‌کند. بعد از ظهر همان روز یا روز بعد به مکه باز می‌گردد و با این عمل (طبق نظر مذاهب اهل سنت) حجش تمام می‌شود. لیکن به عقیده امامیه می‌بایست طواف دیگری بگزارد و نماز طواف به جا آورد. با این عمل که طواف نساء نامیده می‌شود تمام محرمات احرام حلال، و حج به پایان می‌رسد. (نک: مدیرشانیچی، ۱۵)

ب- حج قران و افراد

مذاهب اتفاق دارند که حج افراد آنست که حاجی باید اول حج (حجۀ الاسلام) بجا آورد و پس از اتمام آن، برای عمره و اعمال آن محرم شود. (نک: مغنیه، ۱۵۷) هر یک از حج قران و افراد بر کسی واجب است که فاصله وی تا مکه کمتر از شانزده فرسخ باشد. (علامه حلی، ترجمه تبصرة المتعلمین، ۱/۱۵۵) حج افراد، همچون قران، وظیفه اهالی مکه و کسانی است که فاصله محل سکونتشان تا مکه کمتر از دوازده یا ۴۸ میل (بنابر اختلاف اقوال در مسئله) باشد. (نک: نجفی، ۴۷-۴۸/۱۸).

انتخاب نوع حج از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی

امامیه: تخییر میان اقسام نیست و طیفه‌ی ساکنان دور (آفاق) تمتع و وظیفه ساکنان نزدیک (مکی) افراد یا قران است. (بنابر نظر مشهور فقیهان امامیه ساکنان دور از مکه از ۴۸ میلی (۱۶ فرسخ) و بیش از آن را گویند.)

حنبلیه: تخییر میان اقسام حج، ولی ترتیب در فضیلت: ۱. تمتع ۲. افراد ۳. قران

حنفیه: تخییر میان اقسام حج، ولی ترتیب در فضیلت: ۱. قران ۲. تمتع ۳. افراد

شافعیه: تخییر میان اقسام حج، ولی ترتیب در فضیلت: ۱. افراد ۲. تمتع ۳. قران

مالکیه: تخییر میان اقسام حج، ولی ترتیب در فضیلت: ۱. افراد ۲. قران ۳. تمتع (ابن رشد قرطبی، ۳۹۵-۳۹۹/۱؛ جزیری، ۶۲۶-۶۱۹؛ طوسی، الخلاف؛ ۴۲۳/۱-۴۱۹؛ محقق حلی، شرایع ۱/ ۲۴۰-۲۳۶؛ مغنیه، ۱/ ۳۲۲-۳۱۹؛ علامه حلی، تذکره، ۸/ ۱۸۱-۱۶۱)

۶- ارکان و اعمال حج

حج دارای ارکان و افعالی است که حج گزار می‌بایست آن را به درستی به انجام رساند. افعال حج بر اساس حکم تکلیفی به واجب، مستحب، مکروه و حرام تقسیم می‌شود. ولی آنچه موجب اشکال در حج می‌شود ترک واجب و فعل محرّمات است که موجب ثبوت کفاره یا بطلان حج می‌گردد که در این مقاله به آن پرداخته شده است. البته بین مذاهب اسلامی در ارکان و واجبات و محرّمات حج اختلافی نیز وجود دارد ولی با توجه به موضوع این مقاله فقط به واجبات و محرّمات و نظر مذاهب در آن‌ها اشاره شده است.

– ارکان حج از منظر فقهای مذاهب اسلامی

الف- امامیه ارکان حج را پنج عمل: احرام، وقوف به عرفه، وقوف به مشعر، طواف زیارت و سعی می‌داند.

ب- حنبلیه ارکان حج را چهار عمل: احرام، طواف زیارت، سعی بین صفا و مروه و وقوف به عرفات می‌داند.

ج- حنفیه: معتقد است فقط دو عمل: وقوف در عرفه و طواف زیارت از ارکان حج است.

د- شافعی گفته: طواف، سعی صفا و مروه، وقوف به عرفات و ازاله شعر (حلق) از ارکان حج است.

مالکیه گفته ارکان حج شامل: احرام، طواف زیارت، سعی بین صفا و مروه، وقوف به عرفات است. (نک: جعفر پیشه فرد، ۲۴۵)

۷- واجبات حج

الف- امامیه: در اقوال امامیه واجبات حج سیزده مورد است که عبارتند از: احرام، وقوف به عرفات، وقوف به مشعر، رمی جمره عقبه، قربانی، حلق یا تقصیر، طواف زیارت، نماز طواف زیارت، سعی بین صفا و مروه، طواف نساء، نماز طواف نساء، بیتوته در منا (شب‌های یازدهم و دوازدهم) و رمی جمرات.

ب- حنبلیه: حنبلیه اعمال واجب حج هفت مورد بیان کرده که عبارتند از: احرام در میقات، وقوف در عرفه تا غروب، میت در مزدلفه، بیتوته در منا، رمی جمرات به ترتیب، حلق یا تقصیر و طواف وداع.

ج- حنفیه: واجبات حج از نظر حنفیه پنج عمل سعی میان صفا و مروه، وقوف به مزدلفه، رمی جمرات، حلق یا تقصیر، زواف صدر می‌باشد.

د- شافعیه: در مذهب شافعی واجبات حج به پنج عمل احرام از میقات، حضور در مزدلفه، رمی جمرات، بیتوته در منا، اجتناب از محرّمات احرام اشاره دارد.

ذ- مالکیه: واجبات حج از نظر مذهب مالکی شش مورد بوده که عبارتند از: نزول به مزدلفه، رمی جمره عقبه، نحر هدی، حلق یا تقصیر، بیتوته در منا و رمی جمرات. (همان)

امام علی علیه السلام: حدود حج، چهار چیز است: احرام، طواف کعبه، سعی بین صفا و مروه، و وقوف در دو موقف (عرفات و منا) و آنچه متصل و مربوط به این اعمال است. هر کس این حدود را ترک کند، واجب است کفّاره بدهد و دوباره حج کند. (نک: وسائل الشیعه، ۱۶۸/۸)

- تعداد افعال واجب در عمره تمتع از منظر مذاهب اسلامی

امامیه: پنج عمل: ۱. احرام ۲. طواف ۳. نماز طواف ۴. سعی ۵. تقصیر اطّرس؛

حنبلیه: چهار عمل: ۱. احرام ۲. طواف ۳. سعی ۴. حلق یا تقصیر

حنفیه: پنج عمل: ۱. احرام ۲. طواف ۳. نماز طواف (به عنوان سنت مؤکد و واجب، نه فرض) ۴. سعی ۵. تقصیر.

شافعیه: شافعی دو قول دارد: ۱. چهار عمل: احرام، طواف، سعی و حلق یا تقصیر. ۲. سه عمل: احرام و طواف و سعی.

مالکیه: پنج عمل: ۱. احرام ۲. طواف ۳. نماز طواف ۴. سعی ۵. حلق یا تقصیر.

به نظر حنبلیه و شافعیه، نماز طواف، سنت است و از واجبات محسوب نمی‌شود. (نک: کاشانی، ۶۴ و ۱۲۳؛ مرغیناتی، ۲۸۸/۱۰؛ ابن قدامه، الکافی، ۱۰۳۹/۱۱؛ ابن قدامه، المقنع، ۹۶۱-۹۶۲؛ شیرازی، ۸۴۸-۸۵۰/۱۱؛ مصری مزنی، ۸۲۱/۱۱؛ طوسی، الخلاف، ۴۵۰/۱؛ مغنیه، ۳۷۲/۱)

۸- احرام

اولین عمل حاجی محرم شدن در میقات چهارگانه مکه مکرمه می باشد لذا بدون محرم شدن اعمال حج آغاز نمی شود. مرحوم علامه حلی آورده است که: احرام یعنی پرهیز از اموری چند برای آماده شدن عبادت پروردگار. (نک: علامه حلی، تبصره المتعلمین، ۱۵۵/۱)

محل احرام برای حج تمتع، قران و افراد، مکه و محل سکونت شخص، بلکه افضل در مسجد الحرام است. مشهور فقهای امامیه واجبات احرام را سه عمل می دانند که عبارتند از: نیت، گفتن تلبیه چهارگانه، پوشیدن لباس احرام برای مردان. (همان)

الف- حکمت احرام

امام صادق علیه السلام: احرام، به خاطر حرم، واجب شد. (قمی، من لا یحضره، ۱۹۵/۲)
امام رضا علیه السلام: همانا مردم، مأمور شده اند که احرام ببندند، تا پیش از ورود به حرم امن خداوند، خشوع پیدا کنند و به چیزی از کارهای دنیا و زینت‌ها و لذت‌های آن، سرگرم و مشغول نباشند و در راه آنچه به سوی آن آمده اند، شکیبیا باشند و با همه وجودشان رو به خانه خدا آورند.

ب- مواقیت احرام

ذوالحلیفه (مسجد شجره) ۲. جحفه ۳. وادی عقیق و ذات عرق ۴. یَلْمَم ۵. قرن المنازل
۶. کسی که منزلش به مکه از میقات نزدیک تر است، همان منزلش میقات اوست. (نک:
ابن رشد قرطبی، ۱/۳۲۹ و ۳۲۸؛ جزیری، ۱/۵۷۹ و ۵۷۸؛ جناتی، ص ۲۲۵-۲۲۳؛ محقق
حلی، ۱/۲۴۲-۲۴۱؛ مغنیه، ۱/۳۲۵-۳۲۳؛ طوسی، الخلاف؛ ۱/۴۳۰-۴۲۹؛ طباطبایی
یزدی، ۲/۵۶۲-۵۵۱).

ج- لباس احرام

لباس احرام برای مردان دو تکه پارچه ندوخته یا حوله است که یکی را ازار و دیگری
را ردا گویند. این که لباس دوخته را از تن بیرون می‌آورند: یعنی آن لباس گناه و عصیان
را که تا کنون، تار و پود آن را بافتید و دوختید و در بر کردید، بیرون آورید و گرنه چه
فرقی است بین لباس دوخته و نادوخته؟! (نک: جوادی آملی) پوشیدن دو لباس احرام
از واجبات است. این لباس از جنس چیزی است که محرم در آن نماز می‌خواند: یکی
را «ازار» (مانند لنگ) و دیگری را «ردا» قرار می‌دهد. (شہید اول، اللمعہ الدمشقیہ، ۱۲۱)
(زنان می‌توانند در هر لباسی که بر تن دارند محرم شوند)

د- مستحبات احرام

مذاهب اسلامی در بسیاری از سنت‌ها و مستحبات احرام، اشتراک فتوا دارند؛ مانند: ۱.
نظافت بدن ۲. کوتاه کردن ناخن ۳. ازاله‌ی موهای زائد بدن ۴. احرام بستن پس از نماز
۵. غسل احرام که سنت است و از حائض و نفسا نیز صحیح است. (ابن رشد قرطبی،
۱/۳۴۱-۳۳۹ و جزیری، ۱/۵۸۲-۵۷۹ و محقق حلی، ۱/۳۴۸-۲۴۵ و طوسی، خلاف،
۱/۴۳۱-۴۳۰ و موسوی خمینی، مناسک حج، ۱۵۰-۱۳۸ و ابن قدامه، الکافی، ۱/۱۰۴
و سید سابق، ۱/۴۸۵ و جناتی، ۲۲۹ و علامه حلی، تذکره، ۷/۲۶۳-۲۲۱)

و- واجبات احرام

امامیه: ۱. نیت ۲. تلبیه ۳. پوشیدن لباس احرام برای مردان
حنبلیه: برای تحقق احرام، نیت کافی است و گفتن تلبیه همزمان با نیت واجب نیست، ولی سنت است.

حنفیه: ۱. نیت ۲. اقرار نیت به تلبیه یا مطلق ذکر، و یا تقلید و اشعار و سوق قربانی
شافعیه: احرام، نیت ورود در حج و عمره است و نیازی به تلبیه و سوق قربانی ندارد و گفتن تلبیه سنت است.

مالکیه: احرام ورود در ترک محرمات حج است و با نیت به تنهایی محقق می‌شود و اقرار آن به تلبیه یا تهلیل یا تقلید قربانی سنت است.

طبق فقه امامیه، محرم برای حج قرآن، مخیر است میان تلبیه یا اشعار و تقلید قربانی و هر یک را ابتدا انجام داد، دوّمی انجامش مستحب خواهد بود. همان

ه- ذکر تلبیه

امامیه: لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک»

سایر مذاهب: به اجماع مذاهب اهل سنت، تلبیه رسول اکرم (ص) چنین بوده است: «
لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک إن الحمد و النعمه لک و الملک لا شریک
لک» ولیکن در این که آیا لازم است همین الفاظ گفته شود یا تبدیل آن و افزودن بر آن
جایز است؟ اختلاف نظر وجود دارد. (همان)

– آداب ورود به مکه و مسجد الحرام

امامیه: برای دخول به حرم، مکه و مسجد الحرام باید غسل کرد و از باب بنی شیبیه وارد شد و برای ورود به حرم و مسجد الحرام باید دعای مأثور را خواند.

به اتفاق مذاهب چهارگانه اهل سنت، غسل برای ورود به مکه سنت است. همچنین مستحب است، انسان روز وارد شهر مکه شود و مندوب است که در روز، لیک گوین، با حالت خضوع و خشوع، از باب السلام وارد مسجد الحرام گردد و هنگام مشاهدهی بیت تکبیر و تهلیل گوید و دعایی را وارد شده بخواند.

گفته‌اند: باب بنی شیبیه امروزه مقابل باب السلام است. (نک: جعفر پیشه فرد، ۲۰۹)

ی- محرمات احرام

چنانکه می‌دانیم بر افرادی که محرم شده‌اند انجام کارهایی شرعاً حرام و ممنوع می‌باشد که بیشتر محظورات احرام مشترک میان زن و مرد محرم است.

رفت: آمیزش و شهوترانی با نگاه و غیره. استمناء و خود ارضائی که همیشه حرام است. اجرای عقد زناشوئی و گواه شدن بر آن. استعمال بوی خوش جز خلوق کعبه (ماده معطر خوشبو کننده خانه‌ی خدا) و گرفتن مشام از بوی بد. فسوق: دروغ و ناسزاگویی به ویژه دروغ بستن به خدا و معصومین (علیهم‌الاجمعین صلوات‌الله)، که حرام دائمی است.

حجامت در موارد ضرورت. کندن درختان و گیاهان خودروی حرم که همیشه حرام است. سرمه کشیدن و حنا بستن برای آرایش. ادهان: روغن مالیدن به بدن جز برای درمان. نگاه کردن به آیینه و مانند آن. کشتن و انداختن جانوران بدن جز جانداران موذی خطرناک. تزئین با انگشتری.

همراه داشتن سلاح جز برای حفاظت. شکار صحرائی منطقه حرم که حرمتش دائمی است.

برداشتن مال پیدا شده در حرم جز برای تعریف و حفظ آن برای همیشه.

ر- محرمات اختصاصی مردان

پوشاندن سر و صورت و فروبردن تمام سر در آب. زیر سایه رفتن به هنگام حرکت. پوشیدن پوشاک دوخته و ابریشمی خالص و طلا بافت. پوشیدن تمام روی پا با کفش یا جوراب، گیوه چکمه.

ز- محرمات اختصاصی زنان

پوشاندن گردی چهره و دستان تا میج با مقنعه و دستکش. پوشیدن زیور برای آرایش حتی برای همسر. (نک: موسوی، ۶۱۱)

۹- طواف

طواف، از واجبات حج و واجب است که هفت دور انجام شود و از حجر الاسود، شروع و در همان نقطه تمام شود. کعبه، در حال طواف، در سمت چپ، و حجر اسماعیل علیه السلام داخل در طواف قرار می‌گیرد. طواف نباید از حد تعیین شده، خارج باشد. در طواف، اینها شرط است: نیت، پی‌درپی بودن، ختنه بودن مردان، طهارت از حدّث و خبث و ستر عورت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «طواف، زینت کعبه است. (نک: قمی، جامع الاحادیث، ۸۵) و همچنین فرمودند: خداوند، به طواف کنندگان، افتخار می‌کند.» (خطیب بغدادی، ۳۶۹/۵ و اصبهانی، ۲۱۶/۸ و ابویعلی، ۳۳۰/۴ و هندی، ۴۹/۵ و احسائی، ۹۶/۱).

الف- طواف عمره تمتع

مذاهب اسلامی: کسی که برای عمره تمتع احرام بسته، واجب است طواف عمره تمتع انجام دهد و به نظر فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت، همان طوافی که برای عمره تمتع بجا می‌آورد، طواف قدوم او محسوب می‌شود.

واجبات مورد اتفاق مذاهب اسلامی در مورد طواف عمره تمتع

۱. هفت شوط بودن طواف ۲. شروع و اختتام هر شوط به حجرالاسود ۳. قرار گرفتن کعبه در طرف چپ طواف کننده ۴. خروج از حجر اسماعیل و شاذروان در حال طواف. از موارد پیش گفته، در مذهب حنبلیه، شافعیه و مالکیه با عنوان «شرایط طواف» یاد می‌شود، ولی در مذهب امامیه و حنفیه، آنها را «واجبات طواف» می‌خوانند. با این تفاوت که طبق اصطلاح حنفیه در معنای «واجب» و تفاوت آن با «فرض»، چنان که طواف کننده از حجرالاسود آغاز نکند یا کعبه را در طرف چپ قرار ندهد، تا زمانی که در مکه است باید اعاده کند و اگر بازگشت، باید کفاره بدهد، ولی اعمالش محکوم به صحت است. همچنین به نظر حنفی‌ها؛ از هفت شوط طواف؛ در طواف زیارت، تنها چهار شوط آن رکن و فرض و بقیه واجب است و رکن نیست و اما در طواف قدوم و وداع، هیچ مقدار از اشواط آن فرض نیست و تمام هفت دور این دو طواف واجب است و کسی که چهار شوط از طواف وداع را ترک کند، باید قربانی کند و کسی که کمتر از آن را ترک کند، باید برای هر شوط صدقه دهد و اما در ترک اکثر یا اقل اشواط طواف قدوم چیزی نیست. (نک: کاشانی، ۴۸/۱۰-۴۳؛ مغنیه، ۳۶۳/۱-۳۵۸؛ جزیری، ۵۹۴/۱-۵۹۰؛ خمینی، مناسک، ۲۶۲-۲۴۱) به نظر حنفیه فرق است بین واجب و فرض. از جهت فنی، امور چهارگانه‌ی یاد شده را باید واجب نامید، نه شرط؛ زیرا این امور مقوم ماهیت شرعی طواف را تشکیل می‌دهند و به اصطلاح شطر آن محسوب می‌شوند نه شرط.

ب- واجبات مورد اختلاف در مورد طواف عمره‌ی تمتع

امامیه: در میان امامیه دو نظریه مطرح است: ۱. لزوم طواف میان کعبه و مقام ابراهیم بوده و این فاصله را حد مطاف می‌شمرده‌اند. ۲. طواف در دورتر از این حد کافی است، بویژه در صورت ازدحام جمعیت.

در نظر فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت، طواف حدی ندارد؛ ولی باید داخل مسجدالحرام باشد و خارج از آن جایز نیست. در مورد جواز طواف بر بام مسجدالحرام، فقهای اهل سنت اختلاف فتوا دارند. ولی طواف میان بیت و مقام را شرط نمی‌دانند، اگر چه برخی از آنها؛ مانند حنبلی‌ها نزدیکی به کعبه را مستحب شمرده‌اند. (نک: محقق حلی، ۲۶۷/۱؛ جزیری، ۵۹۴/۱-۵۹۰؛ موسوی خمینی، مناسک، ۲۴۶؛ ابن قدامه، الکافی، ۱۰۳۳/۱۱-۱۰۲۵؛ علامه حلی، تذکره، ۹۳/۷-۹۲؛ شهید ثانی، ۵۰۱/۱)

مستحبات مورد اتفاق طواف در مذاهب اسلامی

مذاهب اسلامی اتفاق دارند ۱. بوسیدن حجرالاسود ۲. استلام حجرالاسود ۳. استلام رکن یمانی ۴. اشتغال به ذکر و دعا در حال طواف از مستحبات طواف است. (نک: محقق حلی، ۲۶۹/۱ و جزیری، ۵۹۴/۱-۵۹۲ و موسوی خمینی، مناسک، ۳۱۸-۳۱۶)

- نماز طواف عمره تمتع

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: دو رکعت نماز طواف واجب را جز کنار مقام ابراهیم علیه السلام سزاوار نیست بخوانی؛ ولی نماز طواف مستحب را هر جای مسجد که خواستی، بخوان. (نک: کلینی، ۴۲۴/۴ و طوسی، تهذیب، ۱۳۷/۵ و حرعاملی، ۴۲۶/۱۳)

- سعی بین صفا و مروه

پس از بجا آوردن دو رکعت نماز طواف، سعی صفا و مروه واجب می‌شود و هفت دور چرخیدن، در آن شرط است و واجب است که از صفا آغاز شود و در مروه پایان پذیرد. امام صادق علیه السلام: نزد خداوند، هیچ بقعه‌ای محبوب‌تر از محلّ سعی نیست؛ زیرا هر گردنکشی در آن، خوار می‌شود. (نک: کلینی، ۴/۴۳۴ و صدوق، من لا یحضره، ۱۹۶/۲ و صدوق، علل شرایع، ۴۳۳ و علامه مجلسی، ۴۵/۹۹)

- تعداد سعی

مذاهب اسلامی: در حج تمتع دو بار سعی؛ یکبار در عمره‌ی تمتع و یکبار در حج تمتع واجب است. همچنین در حج افراد نیز یکبار سعی در حج و یکبار سعی در عمره مفرده پس از آن لازم است، اما در حج قران، بنابر مذهب امامیه، دو سعی لازم است؛ مانند حج افراد، ولی بنابر تفسیر اهل سنت از قران، یک بار سعی بیشتر واجب نیست.

به اعتقاد مذاهب اهل سنت، کسی که حج قران یا افراد انجام می‌دهد، طواف قدوم بر او مستحب است و پس از طواف قدوم، لازم نیست سعی صفا و مروه انجام دهد و چنانچه پس از طواف قدوم، سعی کرد، نباید حلق و تقصیر کند و باید در حال احرام باقی بماند و با انجام این سعی، دیگر لازم نیست پس از طواف زیارت، سعی دیگری انجام دهد. (نک: ابن قدامه، الکافی، ۱۰۴۰/۱۱ و یحیی، ۱۳ و قدوری بغدادی، ۶/۱۰-۷ و جزیری، ۵۹۶/۱)

- تقصیر

امام صادق علیه السلام: اگر در عمره تمتعی، چون از سعی فارغ شدی، از موی اطراف سر و ریش خود بزن و مقداری از سبیل را بچین و ناخن‌هایت را بگیر و مقداری را برای حجّ خود، نگاه دار. چون چنین کردی، از احرام بیرون آمده‌ای، از هر چه که از

آن، احرام بسته بودی. پس هر قدر که خواستی، بر گرد کعبه، طواف مستحب کن. (نک: کلینی، ۴۳۹/۴ و طوسی، تهذیب، ۱۵۷/۵ و صدوق، من لایحضره، ۳۷۵/۲ و حرعاملی)

- چگونگی تقصیر

امامیه: قدری از موی سر یا ریش یا شارب را کوتاه کند کافی است و احتیاط آن است که اکتفا به کوتاه کردن ناخن نکند. حنبلیه: به اندازه‌ی سر انگشت یا کمتر، از مو کوتاه کند کافی است. حنفیه: مقداری بیش از سر انگشت، از مو کوتاه کند کافی است. شافعیه: همین که صدق تقصیر و کوتاه کردن مو کند، کافی است. مالکیه: زنان به اندازه‌ی سر انگشت مو را کوتاه می‌کنند و مردان از نزدیکی ریشه مو، تمام سر را کوتاه می‌کنند. (نک: کاشانی، ۶۷/۱۰؛ ابن قدامه، الکافی، ۱۰۳۹/۱۱؛ شیرازی، ۸۹۸/۱۱؛ مغنیه، ۳۷۱/۱؛ علامه حلی، تذکره، ۱۵۰/۸) این که در کتاب «الفقه علی المذاهب الخمسه» در باب حلق و تقصیر، کوتاه کردن تمام سر به احمد بن حنبل نسبت داده شده، و در مورد حلق مقدار ربع سر در مورد حلق و تعداد سه مو به شافعی نسبت داده‌اند، درست است، ولی در مورد تقصیر جای تأمل دارد. پس از اتمام عمره تمتع و با انجام تقصیر از لباس احرام خارج می‌شوند و آماده می‌شوند برای انجام اعمال حج تمتع که از هشتم ذی الحجه شروع خواهد شد.

- واجبات حج تمتع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

- احرام

امام صادق علیه السلام: آن که عمره تمتع انجام داده ... روز ترویبه، برای حج، احرام می‌بندد. (کلینی، ۲۹۵/۴؛ طوسی، تهذیب، ۳۶/۵؛ حرعاملی، وسائل، ۲۲۱/۱۱)

- وقوف در عرفات و زمان و مکان احرام حج

مذاهب اسلامی: پس از عمره تمتع، کسی که حج تمتع انجام می‌دهد، باید از مکه محرم شود. زمان احرام حج تمتع باید به گونه‌ای باشد که وقوف در عرفه، در روز نهم ذی الحجه را درک کند، اگر چه مستحب است روز ترویبه (هشتم ذی الحجه) احرام ببندد و عازم منی شود و شب نهم را در منا سپری کند. احرام حج از جهت واجبات، مستحبات و تروک احرام، تفاوتی با احرام عمره ندارد. به گفته‌ی شیخ طوسی و گروهی از فقهای اهل سنت اما در روز هفتم ذی الحجه، بعد از ظهر در مکه، خطبه می‌خواند و به مردم فرمان می‌دهد که از صبح روز هشتم عازم منا شوند. این خطبه، یکی از خطبه‌هایی است که در مناسک حج، سنت است. آن گاه امام با مردم نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء روز هشتم و نماز صبح روز نهم را در منا می‌خواند و پس از طلوع خورشید عازم عرفه می‌شود. به نظر اهل سنت، مستحب است نماز ظهر و عصر در روز ترویبه، در منا خوانده شود، ولی در مذهب امامیه مستحب است (غیر از امام و امیر الحاج)، محرمی پیش از نماز ظهر و عصر از مکه خارج نشود. اما مستحب است امام، نماز ظهر و عصر ترویبه را در منا بجا آورد. همچنین طبق مذهب امامیه، مستحب است زائر از مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل احرام ببندد. احمد بن حنبل معتقد است: امام، روز هفتم خطبه نمی‌خواند. طبق مذاهب امامیه هنگام ظهر روز عرفه، به نظر مشهور امامیه، افراد محرم باید لبیک را قطع کنند و به نظر فقهای اهل سنت حنبلیه و حنفیه و شافعیه تا زمان رمی جمره‌ی عقبه در روز عید قربان کند، لبیک را تکرار می‌کند و مالکیه هنگام ظهر روز عرفه، تلبیه را قطع می‌کند ولی کسی که در عرفه محرم شده باشد تا رمی جمره‌ی عقبه تکرار می‌کند. (نک: طوسی، خلاف، ۴۸۵/۱؛ موسوی خمینی، مناسک، ۱۴۴)

- مستحبات و قوف در عرفات

در بیشتر مستحبات و آداب و قوف در عرفات، مذاهب اسلامی اتفاق نظریه دارند؛ مانند طهارت از حدث و مشغول بودن به ذکر و تهلیل و تحمید و ثنای الهی و فرستادن صلوات بر پیامبر (ص) و زیاد دعا خواندن، اگر چه از جهت حجم و کمیت و کیفیت، مستحباتی که در فقه امامیه آمده و ادعیه و نمازها و اذکاری که در متون فقهی و روایی امامیه مندرج است، به هیچ وجه قابل قیاس با متون فقهی مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت نیست. کافی است مقایسه شود آنچه در فقه مذاهب اهل سنت آمده، با دعای عرفه‌ی حضرت سید الشهدا (ع) و دعای عرفه‌ی صحیفه‌ی سجادیه، تا غنای معنوی و معرفتی و توحیدی مذهب اهل بیت (ع) آشکار گردد. (نک: جزیری، ۱/۵۹۹-۵۹۷؛ علامه حلی، تذکره، ۱۶۹/۸).

- انجام مراسم برائت از مشرکین

پس از شهادت حجاج ایرانی در سال ۱۳۷۶ توسط عمال سعودی مراسم برائت از مشرکین همه ساله در صبح روز هشتم ذی الحجه در صحرای عرفات برگزار می‌شود. در این مراسم سیاسی مخصوص ابتدا مناجات حضرت علی (ع) پنخس و پس از قرائت قرآن و انجام دادن شعار مرگ بر آمریکا و اسرائیل و شعارهای وحدت گونه برای امت اسلامی پیام حضرت آیت الله خامنه‌ای به زبان‌های عربی و انگلیسی قرائت می‌شود.

- زمان کوچ از عرفات

پس از غروب خورشید، برای وقوف مشعر الحرام، امام همراه دیگر حجاج از عرفات کوچ می‌کنند. در حالیکه در هنگام حرکت، میانه روی و اقتصاد در راه رفتن و دوری از شتاب زدگی را مراعات می‌کنند و به ذکر و دعا و توجه به خداوند سبحان مشغول می‌شوند. (نک: شهید اول، دروس، ۴۲۱/۱؛ محقق حلی، ۲۵۵/۱؛ سید سابق، ۵۲۵/۱؛ ابن قدامه، الکافی، ۱۰۰۴/۱۱؛ نمری قرطبی، ۵۳۴/۱۰؛ علامه حلی، تذکره، ۱۹۴/۸-۱۹۳) برخی از مذاهب اهل سنت؛ مانند حنبلیه تصریح کرده‌اند که مستحب است پیش از امام کوچ نکنند.

- وقوف در مشعر الحرام

در سوره بقره، آیه ۱۹۸ آمده است: (لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَلَكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ؛ اشکالی بر شما نیست که در پی فضل [و احسان] پروردگارتان باشید. پس چون از عرفات کوچ کردید، خدا را نزد مشعر الحرام یاد کنید و به یاد او باشید، آنگونه که شما را هدایت کرد و پیش از آن، از گمراهان بودید).

- نماز مغرب و عشاء شب عید قربان و چگونگی آن

مستحب است نماز مغرب و عشا را تا مزدلفه به تأخیر اندازد، اگرچه ثلث شب نیز بگذرد و دو نماز را با یک اذان و دو اقامه به صورت جمع بخواند و نوافل مغرب را پس از عشا بجا آورد و اگر از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب ناتوان شد، نماز مغرب و عشا را بین راه بجا آورد اما از جهت قصر و اتمام، وظیفه اش مانند عرفات است.

- مستحبات وقوف در مزدلفه

به نظر همه مذاهب اسلامی، مستحب است: سنگ ریزه‌هایی را که در منا باید رمی کند، از مزدلفه گردآورد؛ شب عید قربان را به عبادت و دعا به سر برد و پس از نماز صبح مشغول ذکر و حمد و ثنای الهی شود. کمی قبل از طلوع خورشید کوچ کند، بگونه ای که از وادی محسر نگذرد. هنگامی که به وادی محسر رسید، با سرعت بیشتری حرکت کند. (موسوی خمینی، مناسک، ۴۸؛ کاشانی، ۲۹۸/۱۰؛ نمری قرطبی، ۵۰۲/۱۱؛ مصری مزنی، ۱۱/۸۹۴ و ۸۲۲؛ شیرازی، ۱۱/۱۰۴۴؛ مغنیه، ۱/۳۸۷-۳۸۶؛ ابن قدامه، الکافی، ۱۱/۵۰۲ و ۸/۲۰۲) طبق مذاهب امامیه، قبل از طلوع خورشید شروع به کوچ می‌کند، ولی نباید تا پیش از طلوع از سرزمین مشعر الحرام خارج شود.

- فرود آمدن در منا

حاجیان، اندکی پیش از طلوع خورشید از مشعر الحرام راهی می‌شوند تا به انجام دادن واجباتِ منا برسند که عبارت است از: رمیِ جَمَره، قربانی کردن و تقصیر یا حلق.

در سوره بقره آیه ۲۰۰ آمده است: « إِذَا قُضِيَتْ مَنَسِكُكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِن خَلْقٍ: » وچون آداب ویژه حجّ خود را به جای آوردید، همانگونه که پدران خود را به یاد می‌آورید، یا با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید و از مردم کسی است که می‌گوید: «پروردگارا! به ما، در همین دنیا عطا کن»، حال آن که برای او در آخرت، نصیبی نیست). الکافی - به نقل از زراره-: به امام باقر علیه السلام گفتم: تکبیر در ایام تشریق، پس از نمازهاست؟ فرمود: «تکبیر در منا، بعد از پانزده نماز است و در شهرهای دیگر، بعد از ده نماز. اولین تکبیر، پس از نماز ظهر روز عید قربان است که می‌گوید: " اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، و لله الحمد، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا

من بهیمه الأنعام". و برای این جهت، در شهرهای دیگر، پس از ده نماز قرار داده شده که مردم، چون در کوچ اول حرکت کنند، مردم شهرها از تکبیر دست دارند و اهلِ منا تا وقتی در منا هستند، تا کوچ آخرین گروه، تکبیر بگویند». (نک: کلینی، ۵۱۶/۴؛ طوسی، تهذیب، ۲۶۹/۵ و ۱۳۹/۳؛ علامه مجلسی، ۳۰۷/۹۹)

- پاداش و قوف در منا -

واجب است که حاجیان، شب یازدهم و دوازدهم ذی الحجّه را تا نیمه شب، در منا به سر ببرند و برای کسی که روز دوازدهم از منا کوچ نکند و هنگام غروب هنوز آنجا باشد، واجب است که شب سیزدهم را نیز در منا به سر ببرد.

- مناسک واجب منا در عید قربان -

مذاهب اسلامی: براساس آنچه که پیامبر خدا در حجه الوداع انجام داده‌اند؛ سه عمل واجب، در روز عید قربان، در منا، باید انجام پذیرد: ۱. رمی جمره عقبه ۲. ذبح قربانی ۳. حلق یا تقصیر. (نک: ابن رشد قرطبی، ۶۵۲/۱؛ مغنیه، ۳۸۸/۱-۳۸۷؛ سید سابق، ۵۲۷/۱؛ شهید ثانی، ۵۲۵/۱؛ موسوی خمینی، مناسک، ۴۴۴-۴۰۸) جنس و اندازه شن‌ها باید به اندازه ریگ باشد و به غیر ریگ؛ مانند کلوخ و خزف (سفال) صحیح نیست و از جهت اندازه باید؛ مانند شن، ریز نباشد و زیاد بزرگ هم نباشد و باید سنگریزه‌ها از حرم باشد، البته از مسجدالحرام یا مسجد خیف جایز نیست و مستحب است از مزدلفه برداشته شود. به نظر مشهور، باید سنگ‌ها بکر باشد و پیش تر برای رمی از آنها استفاده نشده باشد.

- چگونگی سنگ زدن

در رمی جَمَره، نیت خالص، شرط است و این که با هفت سنگ ریزه انجام شود و چیزهای دیگری که تفصیل آنها در کتاب‌های فقهی آمده است. در رمی جَمَره، شش چیز، مستحب است: داشتن طهارت، دعا کردن هنگام تصمیم بر پرتاب سنگ، رعایت فاصله ده تا پانزده زراعی میان خود و جَمَره، انداختن به صورت پرتاب و دعا خواندن برای هر سنگ هنگام پرتاب، و پیاده بودن؛ هر چند که رمی سواره هم جایز است. در جَمَره عَقَبه، رو به جَمَره و پشت به قبله بودن و در غیر آن، رو به جمرات و رو به قبله بودن، مستحب است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سنگ زدن به جَمَره‌ها، ذخیره روز قیامت است. (صدوق، من لایحضره، ۲/۲۱۴) و نیز فرمودند: هرگاه رمی جَمَرات کردی، برای تو نوری در قیامت خواهد بود. (نک: هندی، ۵/۷۸)

- واجبات رمی

الف- نیت ب- پرتاب کردن ج- اصابت به جمره د- تعداد سنگ‌ها (در روز عید قربان هفت سنگ به جمره عقبه می‌زند و روز یازدهم نیز هفت سنگ به جمره اولی، هفت سنگ به جمره وسطی و هفت سنگ له جمره عقبه؛ که ۲۱ سنگ می‌شود و همین تعداد را در روز دوازدهم نیز تکرار می‌کند، این که باید به هر جمره‌ای هفت سنگ بزند؛ از جمله مسائل مورد اتفاق مذاهب اسلامی است، اگر چه از احمد بن حنبل نقل است که وی، پنج سنگ را نیز کافی شمرده است.) (نک: موسوی خمینی، مناسک، ۴۱۲؛ جزیری، ۱/۵۹۹-۶۰۲؛ مغنیه، ۱/۳۹۰؛ محقق حلی، ۱/۲۵۸؛ ابن قدامه، ۱۱/۱۰۵۲؛ سید سابق، ۱/۵۳۰) ه- پشت سر هم انداختن و- زمان رمی جمره عقبه امامیه: از طلوع آفتاب تا غروب آن، وقت رمی جمره‌ی عقبه در روز عید قربان است، ولی کسانی که از رمی در روز معذورند، می‌توانند شب انجام دهند. زنان که شب عید در مشعر قوف اضطراری می‌کنند و وارد منا می‌شوند، می‌توانند همان شب عید، رمی کنند.

حنبلیه: پس از طلوع خورشید، رمی جمره عقبه مستحب است، ولی اول وقت رمی، بعد از نیمه شب است و اگر رمی را تا شب به تأخیر اندازد، تکلیفی ندارد، و کفاره بر عهده‌ی او نیست. حنفیه: پس از طلوع خورشید رمی جمره‌ی عقبه مستحب است ولی زمان مجاز آن از فجر روز عید تا غروب آن است. شافعیه: رمی پس از طلوع خورشید مستحب است، ولی اگر پس از نصف شب عید نیز رمی کند کافی است و چنانچه تا غروب رمی نکند و شب یا روز بعد رمی کند، تکلیفی ندارد و کفاره بر عهده‌ی او نیست. مالکیه: از طلوع خورشید تا ظهر مستحب است، ولی از طلوع فجر تا ظهر، وقت رمی است و تأخیر بعد از ظهر جز برای بیماران یا کسی که فراموش کرده جایز نیست، ولی اگر تا غروب رمی کرد، کفاره واجب نیست، اما اگر شب یا روز بعد رمی کرد، باید کفاره دهد. (موسوی خمینی، مناسک، ۴۹۸ و ۴۱۵؛ کاشانی، ۴۸/۱۰-۴۳؛ ابن قدامه، الکافی، ۵۰۲/۱۰ و ۵۰۸ و ۸۹۲/۱۱ و ۷۶۶؛ شیرازی، ۸۹۶/۱۱؛ نمری قرطبی، ۵۰۲/۱۰؛ ابن رشد قرطبی، ۳۲۶/۱-۳۲۳) چهار مذهب اهل سنت رمی پس از طلوع خورشید تا ظهر را مستحب شمرده‌اند. این استحباب در فقه امامیه ثابت نیست

- قربانی کردن

از اعمال واجب روز عید قربان در منا، قربانی کردن است و لازم است که قربانی، گاو، شتر و یا گوسفند باشد. سن و سلامت نیز در قربانی لازم است و باید حیوان قربانی، کامل باشد و خیلی بزرگسال و لاغر نباشد. هر کس که توانایی بر قربانی کردن ندارد، باید به جای آن، سه روز روزه در ایام حج و هفت روز روزه پس از برگشت از حج بگیرد.

- تراشیدن سر

پس از ذبح، حلق یا تقصیر واجب است و انتخاب هر یک از این دو، اختیاری است، مگر برای گروهی از افراد: اول، زنان که بر آنها تقصیر واجب است، نه حلق، و اگر حلق هم بکنند، مجزی نیست. دوم، صروره، یعنی کسی که اوّلین بار حج انجام می‌دهد، و بنا بر احتیاط، باید حتماً حلق کند. در تقصیر، کوتاه کردن مقداری از مو یا ناخن، کافی است و برای مُحرم، هر چه با احرام حرام شده، با حلق یا تقصیر حلال می‌شود، جز زن و بوی خوش.

- مراحل تحلل از احرام

امامیه: خروج از احرام حج، در سه مرحله انجام می‌گیرد:

۱. پس از حلق یا تقصیر به جز زن و بوی خوش سایر محرمات احرام حلال می‌شود.
 ۲. با انجام طواف زیارت و نماز آن و سعی، بوی خوش حلال می‌شود.
 ۳. با انجام طواف نسا و نماز آن، زنان بر او حلال می‌شوند.
- به نظر همه مذاهب اهل سنت حتی مالکیه، تحلل از احرام در دو مرحله انجام می‌گیرد. به نظر حنبلیه، حنفیه و شافعیه آن دو مرحله عبارتند از: ۱. پس از حلق یا تقصیر به جز زن، تمامی محرمات احرام حلال می‌شوند. ۲. پس از طواف زیارت، زن نیز حلال می‌شود.

مالکیه: دو مرحله تحلل به نظر مالکیه عبارتند از: ۱. پس از حلق یا تقصیر، به جز بوی خوش و زن، دیگر محرّمات حلال می‌شود. ۲. پس از طواف زیارت، بوی خوش و زن نیز حلال می‌شود. (علامه حلی، ۳۴۴/۸؛ موسوی خمینی، مناسک، ۴۵۰؛ ابن قدامه، المغنّی، ۶۸/۱۰ و ۶۴ - ۶۷۴/۱۱؛ طوسی، خلاف، ۴۵۸/۱؛ سید سابق، ۵۲۷/۱؛ مغنّیه، ۳۷۴/۱) برخی از حنفیه از قول شافعی نقل کرده‌اند که حلق یا تقصیر واجب نیست و با رمی جمره عقبه، تحلل از احرام حاصل می‌شود، چنان که با سعی صفا و مروه تحلل از احرام عمره حاصل می‌گردد.

- طواف زیارت

پس از خروج از منا زائرین به مکه مکرمه مراجعه و طواف زیارت یا طواف حج تمتع را در مسجدالحرام انجام می‌دهند. پس از مناسک منا در روز عید قربان، انجام طواف زیارت، از واجبات و ارکان حج است. طبق یک نظریه، آیه کریمه: «وَلَيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج: ۲۹) بر این طواف تطبیق شده است. طواف زیارت از جهت شرایط و واجبات و کیفیت، حتی آداب و مستحبات، به جز نیت، با طواف عمره تمتع تفاوت ندارد و نظریات مربوط به مذاهب مختلف اسلامی که در طواف عمره تمتع گذشت، در اینجا نیز مطرح می‌شود. (نک: موسوی خمینی، مناسک، ۴۶۳-۴۶۲؛ سید سابق، ۵۴۱/۱؛ شهید ثانی، ۵۴۳/۱؛ شهید اول، دروس، ۴۵۷؛ جزیری، ۵۸۹/۱؛ علامه حلی، تذکره، ۳۴۷/۸)

- نماز طواف زیارت

امامیه: نماز طواف از واجبات حج است و پشت مقام ابراهیم گزارده می‌شود. حنبلیه: سنت است. حنفیه: سنت مؤکد (واجب) است. شافعیه: سنت است و نافله یا فریضه‌ای دیگر کفایت از آن می‌کند.

مالکیه: واجب است، ولی گزاردن آن پشت مقام ابراهیم مستحب است.
نماز طواف زیارت مانند نماز طواف عمره تمتع است جز در نیت. (نک: شهید اول،
دروس، ۴۵۷؛ جزیری، ۱/۵۹۴-۵۹۰؛ موسوی خمینی، مناسک، ۴۶۲)

- طواف نساء

طواف نساء و طواف زیارت، از واجبات حج است و چگونگی آن دو و نمازشان، مثل سایر طواف‌هاست. با بیجا آوردن آن دو، می‌توان از احرام خارج شد، و زن هم حلال گردد.

- بیتوته در منا

زائرین در شب یازدهم و دوازدهم در منا بیتوته خواهند کرد و برای هر شب نیز نیت خود را مطرح و سپس برای روز یازدهم جمره وسطی و عقبی و در روز دوازدهم جمره سه گانه اولی وسطی و عقبی را به ۷ عدد سنگ برای هر کدام رمی خواهند نمود و پس از آن ظهر منا را به سوی مکه ترک خواهند کرد.

- رمی ایام تشریق: رمی جمرات سه گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم

مذاهب اسلامی: بر حجاج واجب است که روزهای یازدهم و دوازدهم، سه جمره اولی، وسطی و عقبه را رمی کنند و به هر یک از آنها هفت سنگ‌ریزه بیندازند. به روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی الحججه «ایام تشریق» می‌گویند؛ به این دلیل که عرب‌ها گوشت‌های قربانی را در این سه روز خشک می‌کردند. (نک: عمید، ۱/۶۸۷)

– کوچ از منا در روز دوازدهم (نفر اول)

طبق آیه شریفه « وَ اذْكُرُوا اللّٰهَ فِيْ اَيَّامٍ مَّعْدُوْدَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِيْ يَوْمَيْنِ فَلَا اِثْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَاَخَّرَ فَلَا اِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى » (بقره: ۲۰۲) به اتفاق مذاهب اسلامی پس از رمی جمرات، بعد از ظهر روز دوازدهم حاجیان می‌توانند از منا کوچ کنند و نفر قبل از ظهر جایز نیست؛ به این نفر، نفر اول گویند. از حکم جواز نفر اول چند گروه استثنا شده‌اند. (نک: موسوی خمینی، مناسک، ۴۸۳؛ علامه حلی، تذکره، ۳۷۲/۷-۳۷۱؛ سید سابق، ۵۳۵/۱؛ ابن قدامه، الکافی، ۱۰۵۴/۱ و ۹۰۴، شیرازی، ۸۴۸-۸۵۰/۱۱؛ طبرسی، ۲۹۹/۱) از احمد بن حنبل نقل شده: سزاوار نیست کسی که می‌خواهد در مکه ساکن شود، در نفر اول کوچ کند. همچنین مالک گفته است: کسانی که اهل مکه هستند و عذری ندارند، در نفر اول کوچ نکنند.

– خطبه امام پیش از نفر اول

یک خطبه در بعدازظهر روز دوازدهم مستحب است. در خطبه پیش از نفر اول، امام، مناسک حج از جمله تخییر میان تعجیل یا تأخیر در کوچ را به حجاج آموزش می‌دهد و با آنها خداحافظی می‌کند.

– عمره مفرده

عمره مفرده در همه ماه‌های سال در مکه مکرمه توسط مسلمانان انجام می‌شود ولی در کیفیت اجرای اعمال بین شیعه امامیه و اهل سنت تفاوت‌هایی وجود دارد.

– اعمال واجب عمره مفرده از نظر فقهای امامیه و اهل سنت

امامیه: ۱. محرم شدن در میقات ۲. لبیک گفتن ۳. طواف ۴. نماز طواف ۵. سعی بین صفا و مروه ۶. تقصیر ۷. طواف نساء ۸. نماز طواف نساء

همه فرقه‌های اهل سنت: ۱. محرم شدن در میقات ۲. طواف قدوم یا طواف تحیت ۳. نماز طواف ۴. سعی بین صفا و مروه ۵. تقصیر (نک: موسوی خمینی، مناسک، ۳۱۶-۳۱۵؛ ابن رشد قرطبی، ۳۴۶/۱-۳۴۵؛ جزیری، ۵۸۹/۱؛ شهید اول، دروس، ۴۰۱-۴۰۰؛ طوسی، مبسوط، ۳۵۱/۱؛ مغنیه، ۳۵۴/۱)

- طواف قدوم

اهل سنت اولین طوافی را که شخص محرم پس از ورود به مکه و پیش از وقوف به عرفات انجام می‌دهد، «طواف قدوم» یا «طواف تحیت» می‌نامند، چون شبیه نماز تحیت مسجد است. طبق نظریه‌ی مذاهب چهارگانه اهل سنت، برای مُفَرِّد (به جا آورنده‌ی حج) که از خارج وارد مکه می‌شود، و برای وقوف به عرفات وسعت وقت دارد، انجام طواف قدوم سنت است، به نظر فقهای امامیه هم برای مفرد و قارن (کسی که حج افراد و حج قرآن انجام می‌دهد) پیش از وقوف به عرفات، انجام طواف، مستحب شمرده شده است، اگر چه مشهور امامیه، اصطلاح طواف قدوم را به کار نبرده‌اند و تنها برخی از آنها؛ مانند شیخ طوسی در مبسوط از آن نام برده‌اند. ضمناً در عمره تمتع و عمره مفرده، انجام طواف مستحب پیش از طواف واجب، میان امامیه محل اختلاف است. (همان)

- طواف زیارت

مذاهب اسلامی: طواف زیارت یا طواف افاضه، بر تمام حجاج؛ اعم از متمتع، یا قارن یا مفرد، واجب است و باید پس از اعمال روز عید قربان آن را انجام دهند. طبق نظریه‌ی تفسیری، آیه ۲۹، سوره حج «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» اشاره به این طواف دارد. ابن رشد قرطبی، ۳۴۶/۱-۳۴۵؛ جزیری، ۵۸۹-۵۹۰؛ مغنیه، ۳۵۳/۱

– طواف نساء

امامیه: در عمره مفرده و اقسام سه گانه‌ی حج، واجب است طواف نساء انجام شود و با انجام آن، زنان حلال می‌شوند. مذاهب چهارگانه اهل سنت، منکر طواف نساء هستند و از آن، نه به عنوان واجب و نه به عنوان مستحب نام برده‌اند و زنان را با طواف زیارت حلال می‌شمارند. (نک: موسوی خمینی، مناسک، ۵۰۶ و ۵۰۸؛ ابن رشد قرطبی، ۳۴۴/۱؛ جزیری، ۵۸۹/۱؛ شهید اول، دروس، ۴۰۱-۴۰۰؛ طوسی، مبسوط، ۳۵۱/۱؛ مغنیه، ۳۵۴/۱؛ ابن قدامه، کافی، ۱۰۴۰/۱۱؛ مرغیناتی، ۲۷۸/۱۰؛ نمری قرطبی، ۵۰۵/۱۰؛ شیرازی، ۹۰۴/۱)

– طواف وداع

امامیه و مالکیه: مستحب است. حنبلیه و حنفیه: واجب است. شافعیه: دو قول است: واجب و مستحب. (همان)

– طواف مستحب

علاوه بر طواف‌هایی که گفته شد، «طواف مستحب» که می‌توان در مدت اقامت در مکه آن را انجام داد. (همان) طبق مذهب امامیه در هر شبانه روز گزارده ده مرتبه طواف، مستحب است.

– حلق یا تقصیر در عمره مفرده

امامیه: زنان باید تقصیر کنند، ولی مردان میان حلق یا تقصیر مخیرند.

ظاهراً فقهای امامیه نیز به افضلیت حلق در عمره‌ی مفرده فتوا می‌دهند؛ چنانکه بعضی از آنها تصریح کرده‌اند.

منابع و ماخذ

قرآن كريم

ابن اثير، مجدالدين مبارك بن محمد، النهايه فى غريب الحديث والاثر، ١٣٨٥ هـ ق، المكتبه الاسلاميه، قاهره، ج ٣، اقتباس از نرم افزار فرهنگ لغت عربى.

ابن رشد قرطبى، محمد بن احمد، بدايه المجتهد و نهايه المقتصد، ١٤٠٣ هـ ق، دارالمعرفه، بيروت، ج ١.

ابن قدامه، عبدالله بن احمد، الكافى فى فقه ابن حنبل (فقه حنبلى)، المصادر الفقيهيه، ١٤٢٢ هـ ق، بيروت، ج اول، ج ١١.

_____، المقنع (فقه حنبلى)، المصادر الفقيهيه، ١٤٢٢ هـ ق، بيروت، ج اول، ج ١٠ و ١١.

ابن منظور الافريقى، جمال الدين محمد بن مكرم، لسان العرب، ١٤٠٥ هـ ق، نشر ادب الحوزه، ج ١٢. احسانى (ابن ابى جمهور)، محمد بن على، عوالى اللالى العزيزيه فى الاحاديث الدينيه، ١٤٠٣ هـ ق، تحقيق: مجتبى عراقى، نشر سيد الشهداء، قم، ج ١.

اصبهانى، احمد بن عبدالله، حليه الأولياء و طبقات الأصفياء، ١٣٨٧ هـ ق، دارالكتب العربى، بيروت، ج ٨.

اصفهانى، حسين بن محمد راغب، مفردات الفاظ القرآن، ١٤١٢ هـ ق، دارالعلم - الدار الشاميه، لبنان - سوريه، اقتباس از نرم افزار فرهنگ لغت عربى.

برقى قمى، احمد بن محمد، المحاسن، ١٤١٣ هـ ق، تحقيق: سيد مهدى رجائى، مجمع العالمى لأهل البيت، ج ٢.

جزيرى، عبدالرحمن، الفقه على المذاهب الأربعة، دارالفكر، بيروت، ج ١.

جعفر پیشه فرد، مصطفی، درسنامه درآمدی بر فقه مقارن، ۱۳۸۹ هـ ش، نشر معاونت امور روحانیون
بعثه مقام معظم رهبری، تهران، چ اول.

جمعی از صاحب نظران، حج (مجموعه مقالات)، ۱۳۶۱ هـ ش، چاپ وزارت ارشاد، مقاله حج پیغمبر
(ص) // کاظم مدیر شانچی

جناتی، محمد ابراهیم، ۱۴۱۱ هـ ق، الفقه المقارن، مجمع شهید صدر، قم.

جوادی آملی، عبدالله، بی تا، عرفان حج، نسخه الکترونیکی، اقتباس از سایت www.hadj.ir/book1/5.htm

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۱۴۰۳ هـ ق، دار احیاء التراث
العربی، بیروت، ج ۸.

حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بی تا، اقتباس از نرم افزار فرهنگ لغت عربی.

خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد أو مدینه الاسلام، ۴۶۳ هـ ق، المکبه السلفیه، مدینه، ج ۵.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ۱۳۷۷ هـ ش، دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم، اقتباس از سایت
www.loghatnaameh.org

زارعی سبزواری، عباسعلی، پرتوری از اسرار حج، بی تا، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)،
نسخه الکترونیکی www.askquran.com

سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بی تا، دارالفکر، بیروت، ج ۲.

السید سابق، فقه السنه، ۱۴۱۹ هـ ق، دارالفکر، بیروت، لبنان، چاپ اول، ج ۱.

عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، اللمعه دمشقیه، ۱۴۳۱ هـ ق، دارالناصر، قم.

_____ ، محمد بن مكي ، الدروس الشرعية في فقه الاماميه، ١٤١٧ هـ ق، مؤسسه نشر اسلامي، قم، چاپ دوم.

عاملی (شهيد ثانی)، زين الدين بن علي، الروضة البهيه في شرح اللمعه دمشقيه، ١٤٢٤ هـ ق، مجمع الفكر الاسلامي، قم، ج ١، چاپ اول.

شيرازی، ابراهيم بن محمد، المهذب (فقه شافعي)، المصادر الفقيهيه، ١٤٢٢ هـ ق، بيروت، ج اول، ج ١١. صالح محمد صالح، دليل الحاج المصور، ١٣٩٣ هـ ق، دارالثقافه، مکه.

طباطبايي يزدي، سيد محمد كاظم، العروة الوثقى مع تعليقات الامام الخميني، ١٣٩٩ هـ ق، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره)، مكتبه علميه اسلامي، تهران، ج ٢.

الطبرسي، ابو علي الفضل بن الحسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، ١٤٠٨ هـ ق، دارالمعرفه، بيروت، ج ١.

طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن، المبسوط في فقه الإمامية، ١٣٨٧ هـ ق، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران، ج ١.

_____ ، الخلاف، ١٤٠٧ هـ ق، مؤسسه نشر اسلامي، ج ١.

_____ ، تهذيب الأحكام، ١٤٠٧ هـ ق، دار صعب، بيروت، ج ٥.

عتر، نورالدين، بي تا، الحج و العمرة، بي جا.

علامه حلي، حسن بن يوسف، تذكرة الفقهاء، ١٤٢٢ هـ ق، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم، ج اول،

ج ٧.

_____، ترجمه و شرح تبصره المتعلمين في أحكام الدين، ۱۳۶۹ هـ ش، ترجمه ابو الحسن

شعرانی، چ پنجم، ج ۱.

علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۱۴۰۳ هـ ق، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۹۹.

عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۸۲ هـ ش، انتشارات امیرکبیر، تهران، چ ۹، ج ۱.

فاکهی، محمد بن اسحاق، أخبار مَكَّة فی قديم الدهر و الحديثه، ۱۴۱۱ هـ ق، تحقیق: رشدی صالح

ملحس، منشورات شریف رضی، قم، ج ۱.

قدوری بغدادی، احمد بن محمد، المختصر و المعروف به الكتاب (الفقه الحنفی)، المصادر

الفقیهیه، ۱۴۲۲ هـ ق، چ اول، ج ۱۰.

قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ۱۳۹۵ هـ ق، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، دار احیاء تراث،

بیروت، ج ۲.

قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ۱۳۹۸ هـ ق، دارالفکر، بیروت، ج ۲.

قمی، جعفر بن احمد، جامع الأحادیث، ۱۴۱۳ هـ ق، تحقیق: سید محمد حسینی نیسابوری، مؤسسه

طبع و نشر التابعه للحضرة الرضوية المقدسة، مشهد، چ اول.

قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرائع، ۱۳۸۵ ق، مکتبه الحیدریه، نجف.

_____، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۰ هـ ق، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، قم، ج ۲.

کاشانی، علاءالدین بن مسعود، بدائع الصنائع (الفقه الحنفی)، المصادر الفقیهیه، ۱۴۲۲ هـ ق، بیروت، ج

۱۰، چاپ اول.

کلبینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۳۶۲ هـ ش، تحقیق علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامیة، تهران، ج ۴.

محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۱۴۰۳ ق، دارالاضواء، بیروت، ج ۱.

مرغیناتی، علی ابن ابی بکر، الهدایه (فقه حنفی) المصادر الفقهیه، ۱۴۲۲ ق، بیروت، ج اول، ج ۱۰.

مصری مزنی، اسماعیل بن یحیی، مختصر المزنی (فقه شافعی)، المصادر الفقهیه، ۱۴۲۲ ق، بیروت، چاپ اول، ج ۱۱.

مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذهب الخمسة، ۱۴۰۷ هـ ق، بیروت، ج ۱.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۶ هـ ش، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱۴، ج ۶.

موسوی خمینی، سید روح الله، بی تا، تحریر الوسیله، مطبعة الآداب، نجف، ج ۱.

_____، مناسک حج با حواشی مراجع، ۱۳۸۵ هـ ش، نشر مشعر، تهران.

موسوی، سید رضا، آشنایی با مراسم عبادی مذاهب خمس، ۱۳۸۶ هـ ش، چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ج ۱.

الموصلی (ابویعلی)، احمد بن علی، مسند أبی یعلی، ۱۴۰۸ هـ ق، دارالقبله، جده، ج ۴.

نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ۱۹۸۱ م، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱۸.

نمری قرطبی، یوسف بن عبدالله (فقه مالکی)، الکافی فی فقه اهل المدینة، ۱۴۲۲ هـ ق، المصادر الفقهیه، چاپ اول، ج ۱۰.

نيسابورى (ابن خزيمه)، محمد بن اسحاق، صحيح ابن خزيمه، ١٤١٢ هـ ق، تحقيق محمد مصطفى اعظمى، ج ٤.

هندي، على متقى، كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، مكتب التراث الاسلامى، ١٣٩٧ هـ ق، بيروت، ج اول، ج ٥.

